

آداب نوروزی، آنها که ماند و آنها که فراموش شد



از جشن های متعددی که در ایران باستان مرسوم بوده، یا از جشن های اندکی که از آن عهد به یادگار مانده، هیچ یک به طول و تفصیل نوروز نیست.

نوروز تنها جشنی است که یک جشن کوچک تر (چهارشنبه سوری) به پیشواز آن می آید و جشنی دیگر (سیزده به در) به بدرقه آن. در واقع نوروز مقدمه و موخره ای دارد که خود آنها به تنهایی از جشنهای دیگری چون شب یلدا مفصل ترند. اما به غیر از چهار شنبه سوری و سیزده بدر که هر یک آداب خود را دارند، نوروز در گذشته دارای آداب چندی بوده است که امروز فقط برخی از آنها برجای مانده و پاره ای در دگر گشت های زمانه از بین رفته اند. از رسم های بجا مانده یکی راه افتادن حاجی فیروز است.

حاجی فیروزها با چهره سیاه کرده، دایره و دنبکی به دست می گیرند، به خیابان می آیند و به رقص و شیرینکاری و خواندن اشعاری با ریتم و آهنگ رقص می پردازند:

حاجی فیروزه، سالی یه روزه، همه می دونن، منم می دونم، عید نوروزه.

ارباب خودم سلام علیکم، ارباب خودم سر تو بالا کن، ارباب خودم منو نیگا کن، ارباب خودم لطفی به ما کن.

ارباب خودم بزیز قندی، ارباب خودم چرا نمی خندی؟

بشکن بشکنه بشکن، من نمی شکنم بشکن، اینجا بشکنم یار گله داره، اونجا بشکنم یار گله داره! این سیاه بیچاره چقد حوصله داره.

خانه تکانی از دیگر آئین های نوروز است. ده پانزده روز مانده به نوروز خانه تکانی شروع می شود. در این آئین، همه وسایل خانه گردگیری و شستشو می شود و پاک و پاکیزه می گردد.

وسواس برای این پاکیزه سازی تا به حدی است که در و دیوار خانه اگر نه هر سال، هر چند سال یکبار نقاشی می شود.